

احمد برقی پسر محمد (د274ق) صاحب «محاسن» دکتر علینقی منزوی علی کوشا

[ماہنامہ: چیستا، ش8، فروردین 1366خ، س4، صص 682 - 684]

یکی از دانشمندان و راویان صاحب نظر اخبار در سده‌ی سوم هجری احمد بن محمد برقی است که دوستان از راه نیکخواهی و دشمنان به بدخواهی او را در شمار موسسان مذهب شیعه آورده‌اند. او در یکی از خانواده‌های ایرانی غریق در علم به دنیا آمد که به منظور استفاده‌ی از حقوق اجتماعی، مانند دیگر خاندان‌های سرشناس ایرانی سده‌های اول اسلام، تحت لوای یکی از قبیلہ‌های فاتح عرب زندگی می‌کردند. احمد و پدر و عموهایش چنان که خواهیم دید در شمار دانشمندان و نویسندگان سده‌ی 3هـ بودند. به گفته‌ی نجاشی از موالی قبیلہ‌ی اشعری و به گفته‌ی غضائری از موالی حریر بودند. احمد بن محمد برقی غیر از علوم گنوستیک که نزد شیعیان آن عصر جزو معارف عمومی به شمار می‌آمد و نوعی جهان‌بینی ایشان را تشکیل می‌داد، در علوم عالیہ‌ی گوناگون مانند فلسفه، نجوم، مسالک، و ممالک (جغرافیا) نیز دست داشته و چنان که خواهیم دید، پیرامون صد کتاب در آن علم‌ها تألیف کرده است. آگاهی ما از زندگانی این خاندان علم و افراد آن اندک است و در حدودی است که مسعودی (م 346هـ = 957م) و ابن‌ندیم (م 377هـ = 987م) و محمد بن حسن در تاریخ قم (تألیف 378هـ = 988م) و غضائری (م 411هـ = 1020م) و نجاشی (م 450هـ = 1058م) و طوسی (م 460هـ = 1068م) و ابن شهر آشوب (م 588هـ = 1192م) و یاقوت و حلی و دیگر متأخران در اختیار ما نهاده‌اند. من در این مقال می‌کوشم که آرای فلسفی و اندیشه‌های احمد برقی را تا آن جا که به توانم با بررسی آثار باقی مانده‌ی این مرد صاحب‌نظر از دید خواننده بگذرانم و این مرد را که دو جنبه‌ی متضاد غلو و سنت‌گرایی را در خویش جمع کرده و یکی از پل‌های وصل کننده‌ی گنوسیست‌های تندرو سه فرق اول اسلام (غلات) با شیعیان سنت‌گرای سده‌ی 4هـ - 10م به بعد است بشناسانم.

تولد و وفات:

مرگ احمد برقی را نجاشی، به نقل از علی بن محمد ماجیلویه (دختر زاده‌ی احمد برقی) (که این درست‌تر می‌نماید) سال 280هـ - 893م و به نقل از احمد بن الحسین غضائری سال 274هـ - 885م آورده است (رجال نجاشی چ بمبئی 1317هـ ص 55-56). ولی از ولادت او آگاهی در دست نیست، جز آن که طوسی در رجال خود او را از اصحاب جواد (م 220هـ = 835م) و هادی (م 254هـ = 868م) شمرده است. پس روایتی که در کافی از رضا (م 203هـ = 818م) و در مجلس 88 "امالی" ابن‌بابویه از صادق به برقی نسبت داده شده است ظاهراً حدیث‌هایی بریده سند (مرسل) باشند.

محل تولد احمد ظاهراً همان موطن خانوادگی او قم یا برقه رود قم بوده است ولی به هر حال او در قم می‌زیسته و نجاشی صاحب خانه‌ی او را که از نویسندگان غالی مذهب (گنوسیست تند) بوده، معرفی نموده است (نجاشی ص 166) و همین که برقی در خانه‌ی دیگران سکونت داشته تا اندازه‌ای وضع اقتصادی این دانشمند را نشان می‌دهد.

احمد برقی میان غلات ری و سنت‌گرایان نیمه‌گنوسیست قم:

در سده‌ی 3 هـ = 9م مبارزه‌ای سخت میان گنوسیست‌های تندرو (غلات) و گنوسیست‌های سنت‌گرا و محافظه‌کار جریان داشت. تکیه‌گاه تندروان اندیشه‌های گنوستیک، هند و ایرانی بود که از فارسی به عربی ترجمه می‌شد و رنگ اسلامی می‌گرفت و تکیه‌گاه سنت‌گرایان مذهب سنی حاکم می‌بود. البته هر دو طرف در این کشاکش‌ها به بخشی از آیات قرآن و حدیث‌های اسلامی استناد می‌جستند که می‌توانستند آن را به سود خود تفسیر نمایند. نتیجه‌ی این کشاکش‌ها پیروزی سنت‌گرایان و طرد غلات از جامعه‌ی تشیع و نابود شدن کتاب‌ها و آثار فلسفی ایشان گردید. در این کشاکش‌ها برخی از دانشمندان بزرگ گنوسیست نیز مجبور به عقب‌نشینی ایدئولوژیک می‌شدند، بخشی از اندیشه‌های خویش را کنار می‌نهادند و بی‌سر و صدا به سنت‌گرایان می‌پیوستند. مرکز اصلی شیعیان سنت‌گرا، قم و پشتیبان ایشان اقطاع داران اشعری آن سامان بودند که خود را فرزند فاتحان عرب می‌شمردند. در زمان احمد برقی رییس این قبیله مردی به نام احمد بن محمد بن عیسی اشعری بود که باسلطان (خلیفه یا فرماندهی او) روابط حسنه داشته است (نجاشی ص 59-60؛ فهرست طوسی ص 48-49 و قهپایی 1: 161-165). با این که این رییس اشعری خود شیعی و از اصحاب رضا و جواد و هادی و عسکری شمرده شده است. با این که او در تألیف‌های خود از ایرانیانی چون داود کوزه (نجاشی ص 60 و 114) استفاده می‌کرده، بازهم در سخت‌گیری بر موالی و ترجیح عرب بر عجم (کافی، کلینی 1: 324) کوتاهی نداشته است (ن. ک ← اشعریان قم). سنت‌گرایی این رییس شیعی اشعری تا آن جا بود که نه تنها احمد برقی و علی بن محمد شیره‌ی کاشی (نجاشی: 80) بلکه کسانی هم چون حسن بن محبوب و یونس بن عبدالرحمان را که هر دو از اصحاب اجماع شیعه به شمارند نیز به «غلو» متهم می‌کرده است (کشی به نقل قهپایی 1: 161-162 و 6: 293-307).

طرد احمد برقی از قم:

با این که احمد، مولای اشعریان به شمار می‌رفت بازهم مانند دانشمندان و مولفان صاحب‌نظر دیگری به اتهام داشتن عقاید گنوستیک تند (غلو) مورد تعقیب آن رییس اشعری قم قرار گرفت و از شهر قم اخراج شد (غضایری به نقل قهپایی 1: 138) البته غضایری فوراً می‌افزاید که رییس قم دوباره او را به قم باز گردانید و پوزش خواست، لیکن چنان که خواهیم دید، این بازگشت به زودی و سادگی انجام نگرفته است.

برقی نزد مادرانی:

نوری از حلی در « منهای الصلاح » داستانی آورده که به موجب آن احمد برقی برای باز پس گرفتن مزرعه‌ای در کاشان که در آمد سالانه‌اش ده هزار درم بود، مدتی نزد ابوالحسن احمد بن حسن مادرانی در « ری » زیسته است، و در آن هنگام میان مادرانی و سلطان (خلیفه یا فرمانده او اذکوتکین) کشاکش وجود می‌داشته و مادرانی اموال یک مرد را به اتهام مکاتبه کردن با سلطان مصادره کرده بوده است. احترام احمد برقی نزد احمد حسن مادرانی تا آن جا بوده که شیعی بودن آن مرد متهم را تضمین کرده و به « تولی و تبری » (سوگند غلات) سوگند خورده و شفاعت او پذیرفته شده است. مادرانی نسبت به خود احمد برقی نیز به جای ده هزار درم درآمد مزرعه‌ی کاشان بیست هزار درم پیشکش کرده است (دارالسلام نوری ص 162).

به هر حال مقداری از محتویات کتاب‌های برقی و دیگر متهمان به غلو که میان رفت در سده‌های بعد در مجموعه‌های حدیثی سنت‌گراتر از او به طور پراکنده دیده می‌شود. اینک ما برای بررسی اندیشه‌های برقی در سطور زیر به بررسی آثار باقی‌مانده‌ی، وی می‌پردازیم.

اندیشه‌های فلسفی و آثار برقی:

نجاشی (ص 55) و طوسی (فهرست ص 44) نام یکصد کتاب احمد برقی را یاد کرده‌اند. یاقوت در کلمه‌ی برقه از معجم البلدان گوید: کتاب‌های وی نزدیک به صد است. مسعودی در سر آغاز « مروج الذهب » کتاب « تبیان » برقی را در شمار مصادر کار خود نهاده، محمد بن حسن در "تاریخ قم" (مؤلف 378 هـ = 997 م) این کتاب برقی را « تبیان » نامیده و نکته‌های دقیق تاریخی و جغرافیایی بسیار از آن نقل کرده است و او را از دیگر مورخان موثقت‌ر شمرده است و عبارت‌هایی به زبان پهلوی از آن نقل کرده است که شاید پیوند او را با دانشمندان دانشگاه جندی‌شاپور نشان بدهد. اما آن چه از همه‌ی آن کتاب‌ها امروز به دست ما است دو کتاب « رجال » و « محاسن » می‌باشد.

الف: رجال برقی: احمد برقی در این کتاب نام یاران هر یک از امامان یازده‌گانه را در 11 بخش آورده و بخش 12 را به آن یاران پیغمبر اختصاص داده که روز سقیفه با خلیفه شدن ابوبکر مخالفت ورزیدند. این کتاب که به سال 1383 هـ 1963 م در 100 ص به تصحیح موسوی و زیر نظر محدث ارموی چاپ شده است، لیستی ساده از نام‌ها است و از هر گونه اظهار نظر و داوری تهی می‌باشد و شاید بتوان گفت که طوسی ترتیب رجال خود را از این کتاب گرفته باشد.

ب: محاسن برقی: در سده‌ی سوم این کلمه عنوانی عام برای کتاب‌هایی بوده است که مانند کتاب جاحظ شامل مجموعه‌ای از مقررات زندگی و معلومات عمومی بوده‌اند. کتابی بدین نام نیز به محمد بن خالد برقی (ابن الندیم) و به پسرش احمد بن محمد برقی نسبت داده شده است (نجاشی و طوسی و معالم العلمای ابن شهر آشوب و قهپایی 1: 139-142) لیکن نجاشی و طوسی نام « محاسن » را به یکی از تألیفات احمد برقی داده گویند در آن دست‌رفته، زیاد و کم شده است، سپس نام صد کتاب را به دنبال آن نهاده‌اند که چند تای

آنها اکنون در مجموعه‌ی یازده کتابی محاسن چاپی دیده می‌شوند. در صورتی که ابن شهر آشوب در معالم العلماء و بن‌بابویه صدوق در پیش‌گفتار « من لا یحضره الفقیه » در شمار مصادر کار خود از « کتب المحاسن » برقی نام برده‌اند و چنین فهمیده می‌شود که ایشان « محاسن » را نام مجموعه‌ای از کتاب‌های برقی می‌دانسته‌اند. نوری نیز گوید: محاسن نام مجموعه‌ای از کتاب‌های باقی مانده از برقی است که سیزده کتاب‌اند و رجال برقی نیز یکی از آنها است. (نوری خاتمه‌ی مستدرک 3: 552).

اما محاسن چاپی شامل 11 کتاب غیر از رجال می‌باشد، که جداگانه چاپ شده است. آری « مصابیح الظلم » که پنجمین کتاب این مجموعه است و پس از « مآکل » از دیگر بخش‌ها بزرگتر است شامل دو باب به عنوان « محبوبات » و « مکروهات » (ص 290 و 295 جای) نیز هست. چون این دو عنوان در فهرست کتاب‌های منسوب به احمد برقی در نجاشی و طوسی نیز دیده می‌شود، مصحح چاپ « محاسن » احتمال داده است که هر یک کتابی جداگانه بوده‌اند، با توجه به دوستی اشعریان قم با سلطان و با توجه به گفته‌ی یاقوت در باره‌ی احمد حسن مادرانی که پس از فتح ری به سال (275هـ = 888 م) به دست او، دانشمندان شیعه به گردش فراهم آمده، کتاب‌ها به نامش تألیف کردند. دور نخواهد بود که برقی پس از طرد شدن به وسیله‌ی شیعیان سنت‌گرا از قم، به این مرد شیعی در ری، که مرکز شیعیان افراطی بود، پناه برده باشد تا مزرعه‌ی خود را در کاشان نجات دهد.

بازگشت از تبعید:

علامه‌ی حلی در « خلاصه الاقوال » گوید: کتابی دیدم که در آن میان احمد برقی و احمد بن محمد بن عیسی رییس اشعری قم داوری شده و گفته بود: رییس اشعری برای تبرئه‌ی خویشان، سر و پا برهنه در تشیع جنازه‌ی احمد برقی حاضر شده بود (قهپایی 1: 138-139) هر چند پوزش خواهی رییس اشعری از برقی را از گفته‌ی غضایری در بالا دیدیم و لیکن آشتی برقی با اشعریان و بازگشت او از قم بی-عقب‌نشینی او نیز صورت نگرفته است و شاید مانند پدرش توبه نیز کرده باشد.

کشاکش برقی با اشعریان قم هر چند به آشتی انجامیده، نباید نزاع خصوصی دانسته شود زیرا که رییس اشعریان در این نزاع تنها نبوده و از طرف سنت‌گرایان محافظه‌کار دیگر تأیید می‌شده است (ن.ک ← نجاشی ص 43 و صفار به نقل کلینی در "کافی" 1: 526 و غضایری، نجاشی، طوسی و قهپایی 1: 138-141) شاید بتوان پوزش خواهی رییس اشعری را نشانه‌ی، قدرت معنوی گنوسیست‌ها در آن عهد دانست، چنان که عقب‌نشینی برقی نیز نتیجه‌ی بر هم خوردن حکومت یک ساله‌ی غلات ری به رهبری احمد حسن مادرانی بوده است. اخراج احمد برقی از قم به وسیله‌ی شیعیان سنت‌گرای اشعری و احترامی که وی در ری مرکز شیعیان تندرو، نزد احمد حسن مادرانی (صاحب توقیع از امام زمان) به سال 275 یافته و سپس بازگشت او به قم و آشتی با سنت‌گرایان پس از برچیده شدن حکومت یک ساله‌ی

غلات ری، پرده‌هایی از تحولات سیاسی آن روزگار و کاشف از تطورات فکری این دانشمند است.

شاید با بررسی دقیق‌تر در این کشاکش‌ها بتوان معنی سخن نجاشی و طوسی را فهمید که گویند: در مجموعه‌ی هشتاد یا صدگانه کتاب‌های محاسن برقی دست یافته، کاهش و افزایش یافته است (فهرست طوسی 44 و نجاشی 55). و چون در مجموعه‌ی 11 کتابی کنونی محاسن چاپی جنبه‌های سنت‌گرا می‌چرید، می‌توان حدس زد که کتاب‌های دیگر این مجموعه‌ی گرانبها به سبب محتویات تند (برغم اشعریان قم) از میان رفته است. بنا بر گفته‌ی محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری برخی از کتب احمد برقی نزد او بوده و در آن جا تلف شده است. (نجاشی: 25-252 و ذریعه 1: 524 و 3: 145).

در سده‌های نخستین اسلام گاهی گم شدن کتاب بدان معنی بود که مولف از ترس تکفیر مسئولیت آن را از خود سلب می‌نمود و کتاب به صورت ناشناس پخش می‌شد و گاه شبانه در مسجدها ریخته می‌شد و یا به مولف‌های متعدد نسبت داده می‌شد. البته هرگاه این گونه کتاب‌ها به دست مخالفان می‌افتاد نابود می‌گردید و لیکن بازهم کتاب‌های ناشناس تألیف سه قرن اول بسیار هستند که به دست ما رسیده‌اند و همگی یا بیشتر آنها از آثار همین موالی ایرانی می‌باشد. و بنا بر این کتاب‌ها به دست مانده از محاسن 14 کتاب خواهد بود.

محاسن برقی را قاضی نورشوشتری (م 119 هـ - 1610 م) در « مجالس المومنین» پنجمین اصول چهارگانه شیعه خوانده است.

محاسن برقی به سال 1331 خ 1962 م در 655 ص + 60 ص مقدمه‌ی جلال محدث ارموی چاپ شده است.

محتویات محاسن برقی:

این مجموعه‌ی یازده کتابی، شامل اندیشه‌های گنوستیک و ضد گنوستیک بسیار است او برخلاف جاحظ معتزلی کوشیده است تا همه‌ی مقررات و آداب و رسوم و عادات مردم آن روز را که پیش از اسلام نیز در کشور او مرسوم بوده، هر چه بیشتر رنگ مذهبی و اسلامی بخشد: او در دو کتاب « مآکل و مشارب» (خوراکی و آشامیدنی‌ها) ص 381-594 چاپی که از دیگر کتاب‌هایش بزرگتر است، مسایل گیاه-شناسی و خواص پزشکی خوراکی‌ها و میوه‌ها و سبزی‌ها را گردآورده، و نام‌های غیر عربی بیشتر آنها و نام فارسی بسیاری از روایت کنندگان آنها را نشان می‌دهد که ته مانده‌ی دانش‌هایی است که در دانشگاه‌های جندی‌شاپور، حران، نصیبین و سورا نزدیک تیسفون تدریس می‌شده است. راویان در این جا حکم خربوزه، مارماهی، کدبانو، بیماری بواسیر، شستشو و وضو با اشنان را با حفظ همین واژه‌های فارسی به امام نسبت داده‌اند. برخی عادات‌های مردم شهری مانند پاک‌کردن دست با دستمال و فرش‌کردن مسجد و چراغانی آن که نزد سنیان صحرا رسیده بدعت و حرام بود،¹ در این جا با نقل کلمه‌ی «لابأس = زیان ندارد»، از گفته‌ی امام ششم شیعه مجاز شده‌اند. در باب 49 این کتاب هم خوراک شدن با مجوس و نصارا برخلاف سنیان مجاز شمرده است، البته روایتی هم برضد این حکم نقل

می‌کند. با این همه، برای مراعات خاطر سنت‌گرایان قدرتمند در حدیث 299 و 136 چنین دیده می‌شود:

[این ملت (اسلام) تا هنگامی خوشبخت خواهد بود که لباس عجم نپوشند و خوراک عجم نخورند].

کتاب السفر ص 341-380 چاپی، باب 4 و 8 نجوم زردشتی را به خاطر می‌آورد و در باب 18 مطابق ذوق دیگر گنوسیست‌ها و برخلاف اهل سنت از شعر دفاع شده است.

در کتاب المرافق ص 605-644 چاپی، باب 5 برضد هنر نقاشی و تصویرخانه‌ها روایاتی سنت‌گرا آورده و شاید تحت تأثیر فشارهای خلیفه‌ی زمان متوکل قرار گرفته باشد، که قبور و اماکن مقدس کربلا و نجف را به دلیل آذین‌بندی آنها از طرف گنوسیست‌ها خراب کرده بود، زیرا که هنر نقاشی و حتی مجسمه‌سازی نزد شیعه تا سده‌ی (6 هـ - 12م) مجاز بوده است. حدیث‌های 47 و 103 سنی‌آبانه آوازه‌خوانی را منع می‌کند در صورتی که در باب 18 کتاب السفر عکس آن را دیدیم. در باب 7 و برخلاف سنیان از تفریح ستایش شده است.

کتاب العلل ص 297-340 چاپی کوشش‌هایی است که از طرف گنوسیست‌های مسلمان برای توجیه علمی احکام شرع انجام می‌شد. البته سنیان احکام شرع را بی‌نیاز از تعلیل می‌شمرده و این کوشش‌ها را اهانت به مذهب تلقی می‌کردند. حدیث 64 ردیست بر دهریان...

[ناقص است. بامید دستیابی به نسخه کامل]

1- برای حرمت فرش کردن مسجد در نظر سنیان احیاء العلوم غزالی (1: 136 عربی) و (1: 234 فارسی دیده شود.)

2- ...